

زمستان ۱۳۷۰، تاریخ انتشار: شنبه چهاردهم آذرماه ۱۳۷۷

گفت وگویی پروانه فروهر با نسرين ستايش (نسرین ستوده)

وقتی «از همه‌ی هستی‌ام مایه می‌گذارم»

دیدي که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند.

اشاره: آنان که پروانه و شخصیت بزرگوارش را می‌شناختند، می‌دانستند که پروانه شهرت و اعتبار سیاسی‌اش را تنها و تنها به یمن برکت شخصیت کم‌نظیرش به دست آورده بود. خودش در بیان زندگی مبارزاتی‌اش می‌گفت: برای اولین بار در دوازده سالگی، زمانی که هنوز شاگرد مدرسه بود، توسط مأموران رژیم پهلوی دستگیر و با وساطت پدر آزاد شد.

پروانه و همسرش که هر دو عمری را برای آزادی و سربلندی ایران عزیز سپری کردند، چندان صادقانه دل به عشق سودایی خود سپردند که نهایتاً جان بر سر هدف گذاشتند و رفتند. زندگی ساده و عاری از تجمل‌شان و چشم‌پوشی از دسترسی به قدرت از راه‌های خشونت‌آمیز گواه بی‌اعتنایی آنان به دنیا و مافیها بود.

چنانکه پروانه در شرح زندگی‌اش اظهار می‌داشت: «در همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب، در زمینه‌های پذیرش پست‌های اجرایی به من پیشنهادهای فراوانی شد، ولی ترجیح دادم پس از هفت سال دوری اجباری از کلاس و درس به جای اصلی خود بازگردم. جایی که شیرین‌ترین لحظه‌های زندگی مرا رقم می‌زد و معلمی با همه‌ی طنین‌های انسانی آن، بار دیگر بخشی از زندگی پرتلاش من شد».

پروانه اسکندری در برخورد با آنچه آن را حقیقت می‌شناخت چندان سختگیر و گذشت‌ناپذیر بود که در بیان آن هیچ پروا و مصلحتی را در نظر نمی‌گرفت و همین نقطه‌ی اختلاف شخصیت فردی و اجتماعی او بود. چرا که شخصیتی که در مسائل فردی از بالاترین حد گذشت و ایثار برخوردار بود، در بیان حقایق اجتماعی کوچکترین خطایی را نادیده نمی‌گرفت. در برخورد با اشتباهات شخصی افراد چندان بزرگمنش و به قول خودش واقعیت‌گرا بود که هیچ‌کس را بابت اشتباهات شخصی‌اش به باد عتاب و انتقاد نمی‌گرفت و از این بابت همه به بزرگمنشی‌اش اعتماد بایسته داشتند ولی در اشتباهات اجتماعی چندان بیتاب و ناشکیبا بود که فریاد اناالحق او اطرافش را برآشفته می‌ساخت.

وقتی برای اولین بار در زمستان ۱۳۷۰ برای انجام یک مصاحبه مطبوعاتی به دیدنش رفتم هنوز در سوگ غلامحسین صدیقی سیاهپوش بود. انجام آن مصاحبه، دوستی با ارزشی را میان ما بوجود آورد. صد افسوس که مدت آن دیری نپایید. چاپ مصاحبه به دلیل تعطیل شدن نشریه در فروردین ۷۱، ممکن نشد اما متن حاضر که در پیش روی شماست متن پیاده شده‌ی نوار گفتگویی است که به اتفاق یکی از دوستان با پروانه داشتیم. در این گفتگو بعضی از مسائل مربوط به حقوق زنان مورد بحث قرار گرفته است. یاد پروانه و همسرش گرامی و روانشان شاد باد.

سؤال: ما بحث خود را از استقلال زنان و واکنش‌هایی که در مقابل آن می‌شود، آغاز می‌کنیم. آیا به نظر شما وقتی زنی با کردارهای خود اعلام استقلال می‌کند، جامعه و به‌طور مشخص‌تر مردان جامعه از این اعلام، احساس هراس نمی‌کنند؟

پاسخ: یقیناً همین‌طور است. ولی ضرورتاً این نیست که زن از آغاز اعلام استقلال، پرچم سرخ بلند کند و جنگ را

شروع کند. او باید همزمان به یک کار فرهنگی وسیع نیز دست بزند. همین‌هاست که آرام آرام روی ذهن جامعه تأثیر می‌گذارد و آن حالت‌های واکنشی را از مرد جامعه می‌گیرد و دیگر مرد فکر نمی‌کند که زن آمده برای اینکه توانایی‌های مرد را کم کند. نه، آمده برای اینکه دست تو را بگیرد، برای اداری بهتر جهان. نیامده برای اینکه تو را محدود کند. آمده برای اینکه یک زندگی بهتر انسانی را بنیاد بگذارد. چطور می‌شود فکر کرد، زندگی انسانی باشد و نیمی از جامعه اصلاً از هیچ حقی برخوردار نباشد؟ من می‌گویم این قضیه خیلی انسانی حل بشود و می‌شود، به شرط اینکه واقعاً بدانیم از کجا شروع کنیم و چگونه ادامه دهیم.

سؤال: شما به حل مسألت‌آمیز قضیه و اتخاذ شیوه‌های فرهنگی اشاره کردید. اما من می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که هرچند زنان ما از ایجاد هرگونه درگیری و تشنج در حیطه‌ی مسایل مربوط به حقوقشان، پرهیز می‌کنند ولی نهایتاً احساس می‌کنند، ارزش‌های مردسالارانه‌ی جامعه آنها را به مبارزه فرا می‌خواند. در واقع برای رساندن مقصود، مجبورم بگویم مبارزه‌ای که به آن اشاره شد، مبارزه‌ی زنان با مردان نیست بلکه مبارزه‌ی مردانی است که درصد تحکیم ارزش‌های پدرسالارانه هستند و نمی‌خواهند استقلال زنان را بپذیرند. نظر شما در این خصوص چیست؟

پاسخ: نباید بگذاریم که پیش بیاید. مرد پذیرفته، یعنی الان ناگزیر است بپذیرد و در بیشتر نقاط دنیا ناگزیر شده است.

سؤال: بله عده‌ای عقیده دارند که با مبارزه، باز هم با مبارزه پیش رفته است.

پاسخ: نه، مثلاً همین شبه قاره هند را در نظر بگیرید واقعاً جز حضور مداوم زنان در صحنه‌ی مبارزه چیز دیگری سبب شد که زن این ارج را پیدا کند؟

آنها این بخت را داشتند که آدم بزرگوار و روشن‌اندیش و صاحب تفکری مثل گاندی بتواند موجب شود که در راه این پیشرفت مانع ایجاد نشود، یعنی با حضور دایمی خودش، با نصایح خودش، با کردارهای خودش همه‌جا نشان داد که زن موجود محترمی است. واقعاً گاندی را در کمتر صحنه‌ای می‌بینید که دور و برش را زنان بسیاری نگرفته باشند. این فرصتی است که خودش به آن زنان داده است و حتی بیشتر خواسته است این فرصت را نمایش بدهد. چرا؟ برای اینکه در جامعه‌ی هند با آن همه گوناگونی تفکر و مذهب و زبان به هر صورت باید یک آدم شاخص مثل گاندی این کار را بکند و این مرهون حضور خود زنها بوده. خانم ایندیرا از کودکی در مبارزه حضور داشته.

همسر نهری، کُملا بر سر مبارزه اصلاً زندگی را از دست داد. یعنی آدمی بود که یک لحظه صحنه‌ی مبارزه را ترک نکرد. نهری در خاطراتش می‌گوید من کار اقتصادی نمی‌کردم برای اینکه می‌خواستم تمامی وقتم را برای فعالیت اجتماعی بگذارم. زندگی ما خیلی هم خرج نداشت، برای اینکه با بلیط درجه سه قطار حرکت می‌کردیم، اکثراً در خانه‌ی مردم بومی زندگی می‌کردیم و همه‌ی زندگی مان را هم صرف مبارزه می‌کردیم. کجا چنین زنی سراغ دارید؟ وقتی چنین زنی باشد حضورش را به مرد تحمیل می‌کند، دیگر اصلاً ضرورتی ندارد که مبارزه کند، نبرد کند. همین حضور دایمی‌اش در صحنه موجب می‌شود مرد احساس کند کسی کنارش است.

واقعاً این چیزی است که من با رگ و پی‌ام تجربه کرده‌ام. من خیلی شده در آغازهای مبارزاتم، خیلی آشکارتر از امروز، ببینم که می‌خواهند مرا کنار بگذارند، نادیده بگیرند. ولی وقتی من علم می‌شوم، از جانم مایه می‌گذارم، از سلامتی‌ام مایه می‌گذارم، از همه هستی‌ام مایه می‌گذارم، ناگزیر هستند که بپذیرند؛ یعنی دقیقاً این مبارزه را باید با همان ویژگی‌های زن بودن ادامه داد. به هیچ‌وجه نباید ادای مردها را در آورد. آن وقت کم‌کم، این اجحاف‌هایی را

که به ما تحمیل شده است، کنار می‌زنیم. یعنی مجموعه‌ی زن‌ها به این واقعیت می‌رسند که تمامی ویژگی‌های درخور یک انسان را دارند. در این صورت با همان ویژگی‌های خودشان است که روند را طی می‌کنند. یعنی باید ویژگی‌های خود را حفظ کرد.

خیلی نمونه در تمامی جهان وجود دارد و بودند زن‌هایی که ادای مردها را درآوردند، نتوانستند موفق شوند. اما در این کنگره‌هایی که از زنان آزادی‌خواه تشکیل می‌شود، از همه‌ی جهان، سیاه، سفید و ... همه زن هستند، با پوشش‌هایی مختلف، با زبان‌های مختلف، و این زنان هم هیچ‌کدام ادای مردها را در نمی‌آورند. هیچ‌کدام. سؤال: سیمون دوبوار در کتاب جنس دوم در بیان ویژگی‌های زن مستقل اعتقاد دارد که زن در هر حال وجودش را مثله شده می‌بیند. چون ارزش‌های جامعه، انسانیت را مترادف با مردبودن می‌گیرد و بنابراین، زنی که روش زندگی را انتخاب می‌کند و محدودیت‌ها را از بین می‌برد، در واقع ویژگی‌های زنانه‌اش را که البته باز جامعه، آنها را القا کرده است از دست می‌دهد.

پاسخ: من این دو تا را از هم جدا نمی‌کنم. به هیچ وجه. این دقیقاً یک اندیشه‌ی ضد زن است. برای من زن، انسان است. اصلاً باید فقط به گونه‌ی انسان با زن برخورد کرد. چرا انسان را تقسیم‌اش می‌کنیم؟ امروز علم پزشکی ثابت می‌کند که دختر در شکم مادر، در شش ماهگی مساوی است با نه ماهگی پسر، پس چطور می‌توانیم بگوییم که زن چیزی کمتر از مرد است؟ موانع اجتماعی نمی‌گذارد رشد کند. تا یک سنی فرقی بین پسر و دختر نیست. به محض اینکه سن بلوغ شروع می‌شود مشکلات است که یکی پس از دیگری ظاهر می‌شود. در حالی که باید به دخترمان یاد بدهیم که سرت را بالا بگیر، چه فرقی بین تو و برادرت است؟ هیچ فرقی نیست. باید مدام به او عزت‌نفس بدهیم. زمان می‌خواهد. ولی به هر صورت باید شروع کنیم و اینها چیزهایی است که یک مادر می‌تواند در چارچوب خانواده‌اش انجام دهد. و اما در مورد سیمون دوبوار، سیمون دوبوار کتاب جنس دوم را نوشته است زیرا می‌خواهد زن را به یک تلاش برای اینکه از این جایگاه بیرون بیاید وادار کند. اما یادتان باشد سیمون دوبوار فرانسوی است با تربیت، تفکر و فرهنگ فرانسوی. زن ایرانی، حتی زن روشنفکر، با قیدوبندهایی که در آن محصور شده است، نمی‌تواند او را درک کند. داوری یک ویژگی خاص دارد؛ وقتی می‌خواهیم داوری کنیم باید تمام جنبه‌های این آدم‌ها را بشناسیم، عمیقاً بشناسیم، با آن زندگی کرده باشیم. یکی از اصول مردم‌شناسی این است که وقتی می‌خواهی مردم را بشناسی، برو پوشش‌شان، غذایشان، کردارشان را با خودت یکی کن. بعد برو داخل آنها و صمیمت‌شان را ببین. وگرنه سپاه دانشی که شاه به روستاها فرستاد واقعاً اگر روی آن حساب شده بود، می‌توانست کار بسیار قشنگی باشد اما دخترهای مینی‌ژوپپوش و پسرهای ادکلن‌زده خیلی تر و تمیز را فرستادند به روستایی که حمام نداشت. خوب نتیجه نمی‌دهد. اگر به همان دختر یاد می‌دادند که تو به کجا می‌روی، به این مردم چطور باید احترام بگذاری، بهتر نتیجه می‌داد. همین است که اصلاً سیمون دوبوار حتی برای یک زن خیلی آزاداندیش هم ممکن است چالش‌آور باشد. برای اینکه ما شرقی هستیم ولی او اصلاً خیلی از مشکلات ما را ندارد. هیچ کجا هم به او ایراد نیست. او این طور است. ما اگر می‌خواهیم واقعاً نمونه‌هایی داشته باشیم، نمونه‌هایی از همینجا برداریم، آن وقت بحث کنیم.

سؤال: اگر عده‌ای بخواهند از طریق امکانات اجتماعی، کار فرهنگی بکنند به نظر شما چه کسانی بیشتر می‌توانند تأثیرگذار باشند. یعنی ما از چه قشری باید برای آگاهی دادن استفاده کنیم؟

پاسخ: باید تقسیم‌بندی کرد، مرحله به مرحله، برای درازمدت. برای اینکه از جایی شروع کنیم هم می‌شود قضیه را

به صورت خیلی آرام به پیش برد. ببینید وقتی شما پیرامون یک موضوع اجتماعی نظرخواهی می‌کنید، آن وقت یک شماره را مخصوص زنان قرار می‌دهید، یعنی خودتان این باور را در جامعه ایجاد می‌کنید که زن موجودی است که باید یک بخش اختصاصی داشته باشد؛ ولی همی شماره‌ها را به نظرخواهی از مردان اختصاص می‌دهید.

همانجا که تحقیق می‌کنید، از زنان نظرخواهی کنید، نظرشان را در مورد آزادی بپرسید. ضرورت ندارد این زنان مشهور باشند. ممکن است چهار دفعه حرف‌هایی بزنند که چندان درست نباشد. دفعه‌ی پنجم به عده‌ای بر می‌خورید که حرف‌های درستی می‌زنند. این حرف‌های درست تأثیر می‌گذارد، یقیناً اثر می‌گذارد. اینها چیزهایی است تبلیغاتی، که اگر اجرا شود آرام آرام جامعه یاد می‌گیرد که زن هست، زن حضور دارد و ما ناگزیر از پذیرش او هستیم. ضمن اینکه باید کنارش کارهای فرهنگی بیشتر شود.

سؤال: نظر شما راجع به ازدواج موقت و تعدد زوجات چیست؟

پاسخ: تعدد زوجات اصل قابل پذیرش نیست. این مسأله با بررسی آمار در مملکت ما هم قابل بحث است. جامعه‌ی ما، ایران، اصلاً سرزمینی مردخیز بوده است. آخرین آمارها ۱۰۸ مرد در برابر ۱۰۶ زن است. یعنی پیوسته ما کمبود زن داریم. در چنین جامعه‌ای اصلاً مسأله تعدد زوجات یعنی چه؟ اصلاً ضرورت ندارد.

اما در مورد ازدواج موقت، قضیه را خیلی عینی بررسی کنیم. چرا این قضایا برای زنان مطرح است؟ جامعه‌ای که اینقدر فساد، کمبود، نبود رفاه اقتصادی دارد، دیگر ازدواج کار سنگینی است. به همین دلیل افراد به راحتی زیر بار ازدواج نمی‌روند. ممکن است کسانی باشند در این موضوع، زن را تحقیر کنند. من به هیچ‌وجه این طور نگاه نمی‌کنم. من این زن را که ناچار از پذیرش وضعیتش شده، سرزنش نمی‌کنم. اینها ناگزیری‌های جامعه است. با توپ و تفنگ هم حل نمی‌شود...